



حذف هزینه‌های ناشی از عدم کارآیی در هنگام ارزیابی موجودی ، ارزیابی درست تری از ارزش کل داراییهای جاری به دست می‌دهد ، و در نتیجه میزان نقدینگی ، سرمایه‌های راکه برای کسب سود به کار گرفته شده است بهتر می نماید . در حسابهای سود و زیان ، زیان با درآمد دریافتی پایه‌پای می شود ، حتی اگر تمام هزینه‌های اضافی در نتیجه تولید کالای فروخته شده ایجاد نشده باشد .

اجزای اصلی تولید (یعنی مواد اولیه ، قطعات خریداری شده و نیروی کار مصرف شده) به طور مداوم از لحاظ ترکیب و هزینه تغییر می کنند . مواد بهتر می تواند اعمال افزایش یا کاهش هزینهی مواد مصرف شده در تولید باشد . نوآوریهای فنی بر مهارتهای لازم برای نیروی کار تاثیر می گذارد . اغلب ، تعداد نفرات لازم را کاهش ولی دستمزدها را افزایش می دهد .

اثر بارهای از تغییرات ممکن است به دلیل تدریجی بودن آنها ، در شیوه‌های تولید در طول زمان ظاهر شود ، اثر بارهای دیگر ممکن است در قالب تجدید حیات بنیادی تر شیوه‌های موجود و هر چند وقت یک بار دیده شود . تاثیر تغییرات بر هزینه‌ها این است که ————— استانداردهای ارزیابی شده ارزش خود را از دست می دهد ، و در جایی که دانش فنی با تغییر بنیادی روبه‌رو گشته ، ارزیابیها به کلی غلط از آب در می آید .

تا آن جا که به هزینه‌های غیر مستقیم مربوط می شود ، تمایلی همه جانبه وجود دارد که این هزینه به نسبت کل هزینهی کار افزایش یابد . این تمایل نتیجهی مستقیم مکانیزه و خودکار شدن فرایندها ، رشد تولید ، برنامه‌های کارآموزی ، و تکمیل شیوه‌های کنترل و اداری همراه با این تحولات است . موانع بسیاری که دولت پیش پای کسب و کاری گذارد ، مانند مالیات بر درآمد ، مالیات بر ارزش افزوده ، و بیمه برای تمایل دامن می زند .

عامل مهم دیگر در افزایش هزینه‌های غیر مستقیم ، هزینه‌های سرمایه‌ای است که شرکتی که بخواهد خود را از لحاظ دانش فنی و شیوه‌های حسابداری به روز نگاه دارد ، باید پیوسته متقبل شود .



این هزینه‌ها را معمولاً با در نظر گرفتن استهلاك در طول دوره‌ی بهره‌وری سرشکن می‌کنند. این هزینه‌ی قسمتی از کل هزینه‌های غیرمستقیم یا سربار را به وجود می‌آورد که با استفاده از انواع نرخهای سربار به هروا حد تولید اضافه می‌گردد. این هزینه‌های "تحلیل برده شده" ۳ نشان دهنده‌ی پولی هستند که خرج شده‌است، و بنا بر این دیگر زیرهیچ نوع کنترلی قرار ندارند.

به دلایل مختلف، دوام بسیاری از محصولات - دست‌کم دوام محصول به شکل موجود آن - روبه‌کاهش نهاده‌است. مثالهای واضح‌تر عبارتند از محصولات شیشه‌ای و فلزی که جای خود را به محصولات پلاستیکی و سرامیک داده‌اند، یا ابزارهای مکانیکی که با ابزارهای الکترونیکی جایگزین شده‌اند. و پارچه‌های طبیعی که جای خود را به الیاف مصنوعی داده‌اند.

زمانی که منابع انرژی و سوخت تغییر داده می‌شود، بی‌مصرف شدن تجهیزات که مواد انرژی را را تبدیل یا قابل استفاده می‌کنند، سرعت می‌گیرد. درپاره‌ای از کاربردهای زغال‌سنگ با نفت، نفت با گاز و گاز با برق جایگزین شده‌است.

تقاضا برای محصولات شرکت نوساناتی بی‌کنترل - و اغلب ناگهانی - تحت تاثیر عوامل گوناگون در جهان در حال تحول ما، خواهد داشت. عوامل اصلی که درپاره‌ای از موارد منجر به از دست رفتن کامل بازار می‌شوند عبارتند از شدت رقابت، تغییرات نرخ ارز، دخالت‌های دولت، و تغییر در عادات مصرف‌کنندگان.

بسیاری از تغییرات تقاضا را نمی‌توان پیش‌بینی کرد، و حتی اگر این تغییرات قابل پیش‌بینی باشد، شواهد حکایت از آن دارد که افرادی که زندگانی یا سرمایه‌گذاری آنان به مخاطره می‌افتد، در برابر آن از خود مقاومت نشان می‌دهند. نتیجه‌ی کاهش عمر محصول و افت تقاضا، افزایش بیش از حد موجودی در دوره‌های کوتاه‌تر تولید است. افزایش بیش از حد موجودی منجر به کاهش قاطع قیمت

---

۳- Sunk Costs.

فروش می شود. به این ترتیب، هزینه های استاندارد که بر اساس آن موجودیها ارزشیابی می شوند. تصویری نادرست از ارزش واقعی به دست داده است.

کوتاه تر شدن دوره های تولید به این معنی است که زمان تولید و حجم تولید که بر اساس آن استاندارد اولیه تعیین شده بود، در جریان کار بیش از حد خوش بینانه می شود و هزینه های استاندارد اعتبار خود را از دست می دهد. اثر منفی استفاده از هزینه های پیش بینی شده به جای هزینه های واقعی، مدیران را گمراه می کند و محاسبه ی مغایرتها به عنوان یک تمرین ریاضی پس از وقوع حادثه، سود از دست رفته را به حسابها بازمی گرداند.

حتی در موارد نادر که زمان کار و حجم تولید ثابت می ماند، افزایشهای ناشی از تورم در هزینه های مواد اولیه و نیروی کار اجتناب ناپذیر است. امکان دارد که به دلیل تولید بیش از حد و نبودن تقاضا قیمت مواد کاهش یابد، و یا افزایشی در قیمت مواد به وجود آید که کلاً با نرخ تورم تفاوت داشته باشد. به دلیل وجود پاداش سالانه ی کارگران - که حال پرداخت آن سنتی شده است - هزینه های نیروی کار به طور عادی در زمانهای نامعین افزایش می یابد، و این افزایش معمولاً از نرخ عمومی تورم بیشتر است. برای مقابله با تغییرات مختلف، استاندارد مورد استفاده می تواند هر زمان که تغییری بروز می کند، یا در فواصل زمانی معین - مثلاً در پایان هر سال - مورد تجدیدنظر قرار گیرد.

در حالت عادی، تجدیدنظر در استاندارد، هر زمان که تغییری در ترکیب محصول، زمان لازم برای تولید، قیمت و حجم تولید، ظاهر می شود، روشی غیر عملی است. حتی اگر عملی باشد، تغییرات مکرر در استانداردها آن هماهنگی را که لازمه ی نظام استزایل می سازد، و برای کنترل هزینه و تعیین قیمت همراه کننده می گردد. تجدیدنظرهایی که پس از گذشت زمانی طولانی صورت می گیرد شامل مقایسه ی هزینه های حقیقی با معیارهایی غیر واقعی است، و می تواند مشکلاتی در راه کنترل هزینه و قیمت محصول به وجود آورد،







